

حقوق جنسی زن و شوهر در اسلام

حسین امیری^۱

چکیده

زوجین نسبت به یکدیگر حقوقی دارند که رعایت آنها برای داشتن روابط بهتر و زندگی مستحکم ضروری است. دسته‌ای از آن حقوق، حقوق جنسی است که به سهم خود نقش بسزایی در تداوم زندگی زناشویی دارند. در دین مبین اسلام این حقوق مورد توجه قرار گرفته است. با شناخت صحیح و اجرای این حقوق، می‌توان ضمن تداوم زندگی زناشویی، به برخی از شبهات مطرح در این زمینه پاسخ داد.

این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع متعدد اسلامی و همچنین بررسی از یافته‌های علمی به بررسی حقوق جنسی زن و شوهر در اسلام و پاسخ به برخی شبهات مطرح در این زمینه می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق عبارت‌اند از: ۱. حق جنسی هیچ‌یک از زوجین در اسلام نادیده گرفته نشده است. هر یک به تناسب خود حقوق و تکلیفی بر عهده دارند. ۲. در مواردی که زن گرم‌مزاج بوده و بیش از یک بار در چهار ماه نیاز به ارضای جنسی دارد، با استفاده از قاعده لاضرر و قاعده‌نفی حرج، می‌توان احتیاطاً شوهر را ملزم به ارضا یا طلاق نمود تا زن دچار ضرر و حرج نشود. ۳. تحقیقات علمی نیز نشان می‌دهد که حقوق جنسی تعیین شده در اسلام موافق طبع عمومی زن و مرد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق جنسی، زن و شوهر، تفاوت‌های زن و مرد، گرم‌مزاجی زن.

^۱ دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). دریافت: ۸۹/۲/۱۲ - پذیرش: ۸۹/۶/۲۹.

مقدمه

سو و هر وقت که خواستید به کشتزار خود درآیید و (با نیت اکتفاء به حلال در مقابل حرام و طلب فرزند صالح از این عمل، نوابی) برای خودتان پیش فرستید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و مؤمنان را مژده بدهد.

البته در صورتی می‌توانیم از این آیه برای حق تمکین شوهر استفاده کنیم که واژه «آئی» در آیه به معنای زمانی باشد.

در این باره در **تفسیر المیزان** می‌خوانیم: «کلمه "آئی" از اسامی شرط است، که مانند کلمه "متی" در خصوص زمان استعمال می‌شود. البته گاهی در مکان هم به کار می‌رود. حال اگر در آیه مورد بحث به معنای مکان باشد، معنا چنین می‌شود: "شما به کشتزار خود وارد شوید، از هر محلی که خواستید"، و اگر به معنای زمان باشد، معنایش این می‌شود: "شما هر وقت خواستید به کشتزار خود بروید."^۳ و به هر معنا که باشد، می‌خواهد اطلاقا برساند؛ مخصوصا با قید (شتم) این اطلاق روشن تر به چشم می‌خورد. این را هم باید بدانیم که آوردن جمله "زنان شما کشتزار شما را قبل از بیان "فاتوا حرثکم" و نیز تعبیر از زنان برای بار دوم به (کشتزار)، خالی از ایندالات نیست که مراد توسعه و آزادی دادن در عمل زناشویی است.^۴

به هر حال، در صورتی که «آئی» در این آیه به معنای زمان باشد - همان گونه که **علی بن ابراهیم** در **تفسیر قمی**^۵ و **سید محمد شیرازی** در **تبیین قرآن** آن را به معنای زمانی دانسته‌اند^۶ - می‌توان از آیه برای اثبات حق تمکین نیز استفاده کرد؛ زیرا در این صورت، آیه بر این معنا دلالت می‌کند که هر زمان خواستید، می‌توانید بازناتان آمیزش کنید، و این همان چیزی است که مرد بر اثر حق تمکین، به آن می‌رسد.

نکته: در این آیه زنان به مزرعه تشبیه شده‌اند، و چه بسا این تشبیه برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام در باره نیمی از نوع بشر، چنین تعبیری به کار برده است؛ در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته است. در حقیقت، قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله ارضای شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای برای حفظ حیات نوع بشر است - همان گونه که گیاهان در کشتزار رشد می‌کنند و ادامه حیات می‌دهند، انسان‌ها نیز به وسیله وجود زنان متولد شده و نسل‌شان ادامه می‌یابد - این سخن هشدار برای آنان است که جنس زن را بازیچه یا وسیله هوسبازی می‌دانند.^۷

۲. در روایتی که از امام باقر **علیه السلام** نقل شده است: «زنی به نزد رسول خدا **صلی الله علیه و آله** آمد و عرض کرد: یا رسول الله **حقمرد** بر زوجه‌اش چیست؟ فرمود: آنکه او را فرمان ببرد و از نافرمانی‌اش

هر کدام از زن و شوهر در برابر دیگری حقوقی دارند که بی توجهی بدان‌ها به شکل درست و کامل، می‌تواند نارضایتی و اختلاف در زندگی زناشویی را به دنبال داشته باشد، از جمله این حقوق، حقوق جنسی همسران است که رعایت آن توسط زوجین نقش بسزایی در استحکام روابط زناشویی خواهد داشت. در این مقاله برآنیم تا بانگاهی فقهی و تا حدی روان‌شناختی، حقوق جنسی زوجین را بررسی کنیم. در این مقاله می‌کوشیم در سه بخش به این پرسش‌ها پاسخ دهیم:

۱. حقوق جنسی واجب‌زن و شوهر به لحاظ دینی کدامند؟

۲. آیا اسلام همان گونه که به حق جنسی مرد توجه کرده، به حق جنسی زن نیز توجه کرده است؟

۳. آیا تفاوت‌هایی که زن و مرد در زمینه حقوق جنسی دارند، با طبیعت آنها سازگار و هماهنگ است؟

۴. یافته‌های علمی و روان‌شناختی در زمینه تفاوت‌های جنسی زن و مرد چه نظری دارند؟

البته با توجه به اینکه حقوق جنسی مرد بسیار روشن است، به طور مختصر بدان اشاره می‌کنیم و در ادامه به طور گسترده به بررسی حق جنسی زن از منظر فقهی می‌پردازیم. در پایان نیز به یافته‌های علمی و روان‌شناختی در زمینه تفاوت‌های جنسی زن و مرد اشاره خواهیم کرد.

۱. حق جنسی شوهر

از دو جنبه و با نگاهی فقهی می‌کوشیم حقوق جنسی شوهر را بررسی کنیم:

الف. حق تمکین

زن بدون عذر شرعی نمی‌تواند از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند.^۱

به طور کلی یکی از حقوق شوهر بر زن، حق تمکین جنسی است و صرف نظر از برخی استثناءها، به ویژه موارد ضرر داشتن (مفهوم فقهی ضرر)، بودن زن یا شوهر در حالت احرام، روزه واجب، بودن زن در حالت حیض یا نفاس و...، محدودیت قابل توجهی برای این مسئله در نظر گرفته نشده است.^۲

مستندات: دلایل متعددی برای این مسئله ارائه شده است که سه نمونه را ذکر می‌کنیم:

۱. یکی از آیاتی که در این زمینه می‌توان از آن استفاده کرد، آیه ۲۲۳ سوره بقره است: **بَسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ**؛ زنان شما کشتزار شما هستید، پس از هر

بپرهیزد و از مال شوهر (بدون رضای او) چیزی به فقیر ندهد، و نیز بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد، و او را از کامیابی مانع نشود، هر چند بر جهاز شتری سوار باشد، و از خانه‌اش بدون رخصت وی خارج نشود که اگر بدون اجازه از منزل بیرون رفت، فرشتگان آسمان و فرشتگان زمین و فرشتگان غضب و رحمت همگی او را لعنت کنند تا به خانه‌اش باز گردد...^۸

۳. در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

«امیرمؤمنان علیه السلام درباره مردی که با زنی ازدواج کرده و مهریه زن را به عهده گرفته بود به شرط آنکه اختیار کامگیری و طلاق با او (یعنی با زن) باشد، فرمود: زن باسنت مخالفت نموده و متولّی امری گشته که اهلش نبوده؛ بعد حکم فرمود: که صدقاً به عهده مرد است و جماع و طلاق نیز به دست اوست و این سنت است.»^۹

همان‌گونه که می‌بینید در روایت اول آمده است که او را از کامیابی منع نکند (حتی اگر سوار بر جهاز شتری باشد) و در روایت دوم است که حق جماع به دست مرد است. با دقت در متن این دو روایت به راحتی می‌توان حقتمکین را برای مرد اثبات کرد؛ زیرا با توجه به اینکه حق جماع به دست مرد است، می‌تواند در هر زمان کهخواست با زن نزدیکی کند و از سوی دیگر، زن همنمی‌تواند او را از کامیابی منع کند و این مسئله همانچیزی است که مرد در حق تمکین به آن می‌رسد.

البته توجه داشته باشیم که این حکم مربوط به زمانی است که زن عذر شرعی نداشته باشد.

ب. اختیار فسخ عقد در مواردی خاص

اگر به سبب برخی بیماری‌های و آگیردار یا کاستی‌های جسمی زن در اندام‌های تناسلی، امکان بهره‌گیری جنسی برای شوهر فراهم نشود، او می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند و این نیز گواه روشنی بر این مطلب است که اسلام حق جنسی مرد را به رسمیت شناخته است.^{۱۰}

برای نمونه، اگر زن دچار قرن^{۱۱} باشد شوهر اختیار فسخ دارد؛ یعنی می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند. البته این عیب، زمانی مجوز فسخ است که معلوم شود پیش از عقد بوده باشد، و اما اگر بعد از عقد حادث شود، مجوز فسخ نمی‌شود.^{۱۲}

۲. حق جنسی زن

با بررسی‌های فقهی می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام رضای جنسی زنان را نیز نادیده نگرفته است و برای

زنهم به نوعی حق جنسی قائل شده است. در چهار قسمتی کوشیم این مسئله را بررسی کنیم:

الف) شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه بدون عذر شرعی، از نزدیکی با همسرش اجتناب کند. در *تحریر الوسیله* می‌خوانیم: «ترک کردن وطی زن حتی زناقطاعی در بیشتر از چهار ماه بنا بر اقوی جایز نیست؛ مگر به اذن خود او. البته این حکم مخصوص، در صورتی است که شوهر یا زن عذری نداشته باشند، و اما در صورت داشتن عذر، ترک آن مطلقاً تا زمانی که عذر باقی‌است، جایز می‌باشد.»^{۱۳}

یکی از مستندات این مسئله، روایت *صفوان بن یحیی* از امام رضا علیه السلام است. در این روایت می‌خوانیم: «صفوان بن یحیی از حضرت رضا علیه السلام در مورد مردی سؤال کرد که دارای همسر جوانی است و همبستری او را یک ماه یا یک سال ترک می‌کند و به او نزدیک نمی‌شود، البته نه برای اینکه او را آزار رساند، بلکه به دلیل آنکه مصیبتی دیده‌اند. آیا در این عمل گناهکار است؟ فرمود: اگر چهار ماه او را ترک کرده باشد نه. پس از آن اگر ترک کند، گناهکار خواهد بود، مگر اینکه با اذن و رضایت زوجه‌اش باشد.»^{۱۴}

بر اساس این روایت اگر مرد بیش از چهار ماه از نزدیکی با زنش خودداری کند گناهکار خواهد بود؛ مگر اینکه زنش راضی باشد، که در آن صورت اشکالی ندارد.

البته به نظر *آیت‌الله شبیری* این روایت حداکثر زمان مجاز ترک جماع را برای شوهری که چنین عذری دارد بیان می‌کند، و آلاً جایز بودن ترک جماع تا چهار ماه، شامل کسی که عذر ندارد و می‌خواهد به زن ضرر برساند، نمی‌شود. ایشان در کتاب *نکاح* این‌گونه بیان می‌کنند: «بهنظر می‌رسد آن چهار ماهی که در روایت ذکر شده است، مفهوم ندارد؛ چون موضوع آن در مورد شخص مصیبت‌زده‌ای است که قصد اضرار به زن هم نداشته، ولی چون این مشکل را داشت، حضرت می‌فرمایند این شخص حداکثر تأخیری که می‌تواند در مباشرت بیندازد، چهار ماه است، ولی از این استفاده نمی‌شود که همه افراد می‌توانند تا چهار ماه ضرر به زن بزنند و تأخیر بیندازند، بدون هیچ‌دلیل موجهی به زن نیازمند ضرر وارد کنند (در روایت کلمه اضرار آمده است)؛ چون شارع مصالح و مفاسد را بر روی هم ملاحظه نموده است. از طرفی حیثیت مرد و مشکلات او و در فرض سؤال وارد شدن مصیبت به او و از طرف دیگر، نیاز زن ملاحظه شده، لذا گفته است حداکثر تا چهار ماه می‌توان تأخیر بیندازد، ولی از این استفاده نمی‌شود که شخص دیگری که تأخیرش بدون دلیلی موجب اضرار است (می‌تواند تا چهار ماه به تأخیر بیندازد) و از ادله ضرر هم استفاده می‌شود که جایز نیست.»^{۱۵}

کند؛ بعد از آن (در صورت عدم معالجه) حق فسخ دارد،^{۱۷} اما به طور کلی، به نظر بسیاری از فقیهان عروض ناتوانی جنسی برای شوهر بعد از ازدواج، موجب حق فسخ نمی‌شود.

ب. حق جنسی زن در موارد و موقعیت‌های خاص

همان‌گونه که بیان شد، شوهر حق تمکین دارد و هر موقعاً راه نزدیک‌ی کرد، بر زن واجب است در صورت نداشتن عذر شرعی، مخالفت نکند. از سوی دیگر، در مورد زن نیز، شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با او را ترک کند.

حال فرض کنیم شوهر سالم، ولی تا حدی سردمزاج است و هر دو ماه یکبار عمل نزدیکی را انجام می‌دهد، اما زن گرم‌مزاج بوده، و بیش از این تعداد به ارضا نیاز دارد. برای مثال، زن با توجه به اینکه شهوتش زیاد است، می‌خواهد در هفته دوبار ارضا شود؛ ولی شوهر در هر دو ماه یا چهار ماه، یکبار این کار را انجام می‌دهد. حال پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا برای شوهر در چنین شرایطی فقط همان یکبار نزدیکی در چهار ماه واجب است یا خیر؟ به عبارت دیگر، در این شرایط خاص سه صورت قابل تصور است:

۱. عمل نزدیکی برای شوهر فقط یکبار در چهار ماه واجب است و در سایر موارد، تکلیفی (وجوبی یا استحبابی) برای ارضا زن ندارد؛
۲. برای شوهر واجب است که زن را کاملاً ارضا کند و در نتیجه، در این شرایط ویژه باید به حدی عمل جنسی انجام دهد که زن ارضا شود و به گناه نیفتد؛
۳. برای شوهر در هر چهار ماه یکبار واجب است و در سایر موارد انجام عمل جنسی مستحب است.

پرسش این است که دلایل فقهی کدام یک از موارد مذکور را تأیید می‌کند؟ در این قسمت ابتدا سخن چند تن از عالمان را نقل می‌کنیم و در ادامه، این مسئله را از نظر فقهی بررسی می‌کنیم:

رای چند تن از عالمان

آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی در *عروه الوثقی* و آیت‌الله مرعشی نجفی در *منهاج المؤمنین*: «اذا كانت الزوجة من جهة كثرة ميلها و شبقها لا تقدر على الصبر الى اربعة اشهر بحيث تقع في المعصية اذا لم يواقعها فلاحوط المبادرة الي مواعيتها قبل تمام الاربعة او طلاقها و تخليه سبيلها»؛^{۱۸} اگر زن به خاطر میل و شهوت زیاد تا چهار ماه نمی‌تواند صبر کند و وضعیتش طوری است که اگر شوهرش با او نزدیکی نکند، دچار گناه می‌شود، احتیاط ایناست که شوهرش قبل از تمام شدن چهار ماه با زنش نزدیکی نماید و یا اینکه طلاق داده و

الف. حق فسخ ازدواج توسط زن در فرض

ناتوانی جنسی شوهر

یکی از احکامی که نشان می‌دهد اسلام به حق جنسی زنتوجه کرده است، مسئله «حق فسخ ازدواج توسط زن در فرض ناتوانی جنسی شوهر» است. در ادامه به بررسی این مسئله می‌پردازیم. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود ایناست که اگر شوهر قبل از عقد دچار ناتوانی جنسی باشد، آیا زن بعد از عقد می‌تواند ازدواج را فسخ کند یا نه؟

در *تحریر الوسیله* سه عیب جنسی مختص مردان ذکر شده است که اگر قبل از عقد برای مرد حادث شود، در صورتی که زن هنگام عقد نداند، می‌تواند ازدواج را فسخ کند و ظاهراً بین فقیهان شیعه در این زمینه اختلافی نیست. در *تحریر الوسیله* آمده است:

عیب (جنسی) مختص به مرد سه چیز است:

اول. اخته بودن: چه اینکه تخم‌های او را کشیده باشند و چه اینکه آن را کوبیده باشند که در هر دو صورت وقتی معلوم شود که مرد قبل از عقد این عیب را داشته و زن نمی‌دانسته، زن حق دارد عقد را فسخ کند.

دوم. جب: یعنی بریده بودن آلت مردی. البته وقتی زن حق فسخ دارد که آلت مرد از بیخ بریده باشد و چیزی از آن باقی نمانده بود که برای عمل زناشویی کافی باشد، که اگر باقی مانده باشد، هر چند به مقدار حشفه، زن حق فسخ ندارد. در اینجا نیز به شرطی زن می‌تواند عقد را فسخ کند که این عیب قبل از عقد در مرد بوده باشد. و اما اگر بعد از عقد چنین شده باشد، چه اینکه قبل از وطی چنین شده باشد و چه بعد از آن (حق فسخ ندارد).

سوم. عنن، و آن مرضی است که آلت مرد را از بر خاستن ناتوان می‌کند، به طوری که نمی‌تواند عمل دخول را انجام دهد، اگر مردی به چنین دردی مبتلا باشد و یا بعد از عقد مبتلا شود زندق دارد عقد را فسخ کند، به شرطی که ناتوانی مرد به طور مطلق باشد؛ یعنی آلتش به طور کلی (در مقابل همه زن‌ها) ناتوان باشد. اگر در برابر این (زن) ناتوان و در برابر زنی دیگر توانا باشد، زندق فسخ ندارد، و نیز به شرطی که بعد از عقد ولویک بار وطی نکرده باشد، حتی در عقب زن. پس اگر بعد از عقد یک بار وطی را انجام داده و سپس مبتلا به عنن شده باشد به طوری که به کلی قادر بر وطی زن نباشد، زن خیار ندارد.^{۱۶}

البته حکم فسخ عقد توسط زن، در صورتی که مرد بعد از عقد دچار ناتوانی جنسی شود، تا حدی مورد اختلاف است. این صورت به دلیل تعارض ظاهری بین روایتمورد اختلاف واقع شده است. برای مثال، به نظر شیخ صدوق اگر مرد بعد از ازدواج هم دچار ناتوانی جنسی شود، زن حق فسخ عقد را دارد. البته در صورتی که مرد دچار عنن شود، باید تا یکسال صبر

راهش را باز کند.

آیت‌الله خوئی: «یجب علی الزوج مواقعةً زوجته الشبقة فیما دون الأربعة أشهر، حفظاً لها من الوقوع فی الحرام و سداً لبابه إذا انحصر الطريق بها، و إلاً فله أنیمتعها بكل وسیلة»؛^{۱۹} بر شوهر واجب است که با زنگرم مزاجش در کمتر از چهار ماه هم نزدیکی کند تا او را از واقع شدن در معصیت حفظ نموده و راه گناه را بر او ببندد. البته این در صورتی است که راه جلوگیری از گناه منحصر به ارضای جنسی (توسط شوهر) باشد و الا اگر راه جلوگیری، منحصر به این راه نباشد، باید با هر وسیله و روشی که شده؛ زنش را از ارتکاب گناه باز دارد.

آیت‌الله سیستانی: «چنانچه به علت همبستر نشدن با همسر خود ترس افتادن وی را در گناه داشته باشد، به احتیاط واجب باید مبادرت به نزدیکی نماید».^{۲۰}

آیت‌الله مکارم شیرازی: «مرد نمی‌تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با همسر دائمی خود را ترک کند؛ بلکه اگر زنجوان باشد و در این مدت بیم آن می‌رود که به گناه بیفتد، احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که به گناه نیفتد».^{۲۱}

آیت‌الله صافی گلپایگانی: «در زندگی زناشویی توصیه می‌شود مرد همچنان که سایر نیازهای زن را فراهم می‌کند، نیاز جنسی او را هم به نحو متعارف تأمین نماید که این بر ایجاد قرار و آرامش در محیط زندگی کمک می‌کند».^{۲۲}

نقد و بررسی: همان‌گونه که می‌بینید، در برخی از این آراء «بیم وقوع زن در معصیت» لحاظ شده است. لحاظ اینقید اگر به خاطر بحث نهی از منکر باشد، می‌توان آن را نقد کرد؛ زیرا در این صورت معنا این می‌شود که به خاطر نهی از منکر، لازم است شوهر زنش را ارضا کند و او را از افتادن در معصیت نجات دهد. در حالی که می‌دانیم شیوه‌نهی از منکر در این صورت (معمولاً) به ارضا کردن منحصر نیست، بلکه از راه‌های دیگر مانند جلوگیری عملی، تقویت ایمان، دادن شناخت، دوری از موقعیت‌های گناه و شهوت و... می‌توان او را از معصیت‌نگه داشت. از سوی دیگر، ادله نهی از منکر اقتضا دارد که باید از تکرار گناه یا ارتکاب گناهی که در شرف وقوع است، جلوگیری کرد؛ اما اینکه شخص موظف است پیش از رسیدن زمان گناه و صرفاً به دلیل احتمال، از تحقق زمینه آن هم جلوگیری کند، نیاز به اثبات دارد.

البته اگر لحاظ این قید یعنی «بیم وقوع در معصیت» بهایین دلیل باشد که فراهم کردن زمینه گناه نوعی ضرر به زنبوده و باعث حرج او می‌شود، قابل توجیه است که در مطالب بعدی بدان خواهیم پرداخت.

آیت‌الله شبیری: «ترک مباشرت» در مورد زنی که او را حبس

نموده و طلاق هم نمی‌دهد تا از جای دیگر تأمینشود، این اضرار به زن است و چهار ماه را شارع از باضرر نوعی ملاحظه و تشریح نموده است، ولی ضرر شخص را هم ملاحظه می‌نماید، همان‌طور که شارع در مورد کسوه و نفقه گفته باید به میزان متعارف باشد، در اینجا هم باید به گونه‌ای باشد که حرج زن رفع شود. حتی لازم نیست که زن به زنا و معصیت بیفتد تا وظیفه مرد مباشرت باشد، بلکه حتی بدون معصیت، فقط برای زنسخت است باز هم مرد نباید بگذارد به او سخت بگذرد و بعید نیست که فرض عسرت و سختی هم وظیفه مرد تأمین آن باشد».^{۲۳}

بحث فقهی درباره حق جنسی زن در این شرایط خاص برای بررسی این مسئله شایسته است قواعد «لاضرر» و «نفی حرج» را مطرح کنیم و بکوشیم بر اساس آن دو، حکم فقهی «حق جنسی زن در چنین شرایط خاص» را به دست آوریم.

الف) قاعده لاضرر و لاضرار

برای اینکه بتوانیم از این قاعده استفاده کنیم، لازم است ابتدا دو نکته را به عنوان مقدمه مطرح کنیم. مقدمه اول: محتوا و معنای قاعده؛ مقدمه دوم: اثبات صدق عنوان ضرر بر خودداری از ارضای جنسی زن در چنین شرایطی. مقدمه اول: توضیحاتی درباره معنای «لاضرر و لاضرار»: این قاعده از متن بسیاری از روایات که در این زمینه وارد شده، به دست آمده است.^{۲۴} تعداد این روایات به گونه‌ای است که برخی از عالمان آنها را متواتر دانسته‌اند. اما آنچه در اینجا می‌خواهیم بدان بپردازیم، معنا و مفهوم «لاضرر و لاضرار» است. در این زمینه سخنان گوناگونی بیان شده است که می‌کوشیم چهار رأی نسبتاً معروف را ذکر و بر اساس آنها از قاعده لاضرر استفاده کنیم.

سخنان بزرگان

۱. شیخ انصاری معتقدند: معنای لاضرر و لاضرار نفی حکم ضرری در شرع است.^{۲۵}
۲. بر اساس مبنای مرحوم آخوند در «لاضرر و لاضرار»، جنس ضرر نفی شده است. منتهی نفی جنس ضرر در اینجا ادعایی است نه حقیقتاً. به عبارت دیگر، نفی ضرر در اینجا کنایه از نفی آثار آن است.^{۲۶}
۳. از نظر شیخ‌الشریعه /صفهانی مراد از نفی ضرر، نهی تکلیفی است، به عبارت دیگر، لاضرر به معنای

لايجوز الضرر بالاضرار است که در واقع از ضرر رساندن نهی می‌شود. ۲۷

۴. به عقیده فاضل تونی، منظور از ضرر در اینجا ضرر غیرمتدارک است؛ یعنی ضرری که در دین تدارک و جبران نشود، وجود ندارد. ۲۸ برای مثال، بیع غبن موجب ضرر است که با خیار غبن جبران می‌شود.

مقدمه دوم. خودداری از ارضای جنسی زن ضرر زدن بهاوست: برای اثبات این موضوع که مفهوم ضرر شامل خودداری شوهر از عدم ارضای جنسی همسر می‌شود، لازم است ابتدا به معنای ضرر توجه کنیم: ضرر اسم مصدر از باب ضَرَّ يَضُرُّ ضَرًّا می‌باشد و مصدر آن ضَرَّ در برابر نفع، ۲۹ و رابطه بین آنها تقابل عدم و ملکه است؛ ۳۰ یعنی عدم نفع در جایی که صلاحیت و شأنیات را دارد. در کتاب العین نیز ضرر به نقصانی که در چیزی وارد می‌شود، معنا شده است. ۳۱

با توجه به این معانی، می‌توان گفت در شرایطی که زن نیاز جنسی دارد، ولی شوهر با وجود توانایی او را ارضا نمی‌کند، به نوعی بر زن ضرر وارد می‌شود؛ زیرا زنی ارضا شدن جنسی می‌توانست نفع ببرد و به حالت ارضایرسد، ولی با ارضانشدن مرد، این نفع از او سلب می‌شود و در نتیجه دچار ضرر جنسی می‌شود. ضرر دیگری که در چنین شرایطی بر همسر وارد می‌شود این است که با ارضانشدن، زمینه انجام دادن گناه برای او بیشتر، و همین فراهم شدن زمینه گناه، عرفاً ضرر محسوب می‌شود. همچنین اگر در شمول مفهوم ضرر بر خودداری شوهر از ارضای جنسی زن شک وجود داشته باشد، با مراجعه به روایتی که در این شک بر طرف می‌شود.

در روایتی که ابی‌الصباح الکنانی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند، مضمون روایت این گونه است که ابی‌الصباح می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد قول خداوند عزوجل - پرسیدم که می‌فرماید: «لَا تُضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهٗ بَوْلِهِ» هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند، و هیچ پدری [نیز]

نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند]، امام فرمود: زنان شیرده برخی از آنها هنگامی که شوهرشان می‌خواست با آنان جماع کنند، رد کرده و می‌گفتند: اجازه مجامعت نمی‌دهم، می‌ترسم محامله شده و در نتیجه این طفل شیرخوارم را به کشتندم و (بالعکس یعنی) زن هنگامی که شوهرش را دعوت به مجامعت می‌کرد، مرد می‌گفت می‌ترسم با تو مجامعت کرده و باعث کشتن فرزندم شوم؛ در نتیجه با زنش بهخاطر این مسئله مجامعت نمی‌کرد؛ در حالی که خداوند بر اساس این آیه نهی کرده است از اینکه مرد به زن و

یا زن به مرد (با ترک جماع) ضرر برساند. ۳۲

آیت‌الله شبیری در کتاب نکاح، ذیل این روایتی گونه بیان می‌کنند: «در این روایت شریف با وجود جهتی که ممکن است عذر تلقی گردد (مراعات فرزندشیرخوار) از ترک نکاح و مضاره مرد نسبت به زن و بالعکس نهی شده و جهت فوق عذر شمرده نشده، به طریق اولی در جایی که اصلاً عذری وجود نداشته باشد یا اصلاً به قصد اضرار مباشرت ترک شود، این کار محرم خواهد بود. این آیه شریفه هم صغرای اضرار را ثابت کرده و در نتیجه به عمومات لاضرر می‌توان تسک جست، و هم خود دلیل مستقلاً بر حرمت مضاره با ترک مباشرت می‌باشد. البته چون ما فتوای صریحی در این مسئله نیافتیم احتیاط واجب می‌کنیم. ۳۳

همچنین در روایت دیگری که ابی‌الصباح کنانی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند، می‌خوانیم: «هنگامی که زن طفلشیرخوار دارد، سزاوار نیست که شوهرش از جماع با او امتناع کرده و بگوید: من می‌ترسم آبستن شوی و در نتیجه، در حالت آبستن به طفل شیر دهی، و همین‌طور برای زن جایز نیست که مانع از جماع مرد شده و بگوید: می‌ترسم حامله شده و در آن حالت به طفل شیر دهیم، و این (مسئله یعنی ممانعت از جماع به خاطر چنین ترسی) ضرر رساندن است در جماع بر زن و مرد، و وارث هم مثلاً است نباید زنی که بچه‌دار شده و شوهرش فوت کرده‌است، ضرر ببیند و برای وارث جایز نیست در نفقه به مادر طفل ضرر رسانده و بر او تنگ بگیرد. ۳۴

بنابراین، با استفاده از این دو روایت دست کم می‌توان این مسئله را اثبات کرد که «شمول مفهوم ضرر بر خودداری از ارضای جنسی همسر محال نبوده و ممکن است». به ویژه در روایت دوم که آمده است: «سزاوار نیست بر مرد از جماع با زن امتناع کند پس ضرر بزند بر او هنگامی که...»؛ همان گونه که روشن شد، در این روایت جماع نکردن مرد با زن (البته بر اساس شرایطی که در روایت آمده)، ضرر تلقی شده است.

اگر کسی اشکال کند که خودداری از ارضای جنسی همسر ضرر است، ولی این مقدار چندان اهمیت ندارد که همشمول قاعده لاضرر شود، در پاسخ می‌گوییم شاید در برخی موارد این ضرر کم باشد، ولی در شرایطی که ما ترسیم کردیم، ضرر خودداری جنسی از ارضای همسر ضرر بزرگی تلقی می‌شود؛ زیرا همسر ناچار است تا سال‌ها که با این شوهر است، به دلیل ارضانشدن در سختی و عذاب باشد و از سوی دیگر، زمینه ارتکاب گناه و فراهم می‌شود. از این رو، به علت وجود این دو مسئله، یعنی تحمل فشار روانی به مدت طولانی و خطر ابتلا به گناه، می‌توان گفت ضرر خودداری شوهر از

ارضای جنسی همسر ضرر بزرگی است و باید برطرف شود.

نحوه استدلال

حال چگونه می‌توانیم از قاعده لاضرر در چنین مواردی استفاده کنیم؟ به چند صورت می‌توان از این قاعده استفاده نمود:

۱. تحمل چنین وضعیتی برای زن واجب نیست؛ زیرا حکم به وجوب تحمل چنین وضعیتی موجب ضرر است؛ در حالی بر اساس قاعده لاضرر، این وجوب داشته می‌شود. در نتیجه، زن می‌تواند با مراجعه به حکم شرع، شوهرش را وادار به ارضا یا طلاق سازد.

۲. جواز ترک ارضای جنسی همسر (بیش از یک بار در چهار ماه و در چنین شرایط ویژه) موجب ضرر زدن به او است. در نتیجه بر اساس قاعده لاضرر و لاضرار اینجواز برداشته شده، و گفته می‌شود خودداری از ارضای جنسی همسر برای شوهر جایز نیست. پس باید یا او را ارضا کند و یا طلاق دهد.

البته این در صورتی است که معنای روایت «لاضرر و لاضرار» را همانند شیخ انصاری و نائینی نفی حکم ضرری بدانیم.^{۳۵} بر اساس این مبنا چون حکم به جواز خودداری شوهر

از ارضای جنسی همسر (در چنین شرایطی) ضرری است، می‌توان گفت حکم جواز برداشته شده و در نتیجه گفته می‌شود ترک ارضای جنسی همسر برای شوهر در چنین شرایطی جایز نیست؛ اما اگر بر اساس مبنای فاضل تونی بخواهیم عمل کنیم، نحوه استدلال این گونه می‌شود.

۳. جواز ترک ارضای جنسی همسر (بیش از یک بار در چهار ماه و در چنین شرایط ویژه) باعث ضرر زدن به همسر است؛ در حالی که ضرر غیرمتدارک نداریم. پس باید این ضرر به نحوی (یا از طریق ارضای جنسی توسط شوهر و یا طلاق گرفتن) جبران شود.

حال اگر بخواهیم بر اساس عقیده شیخ شریعه در معنای این قاعده استدلال کنیم، این گونه می‌توان گفت که:

۴. چون ترک ارضای جنسی همسر (بیش از یک بار در چهار ماه و در چنین شرایطی ویژه) باعث ضرر زدن به او است، بر شوهر چنین ترکی جایز نیست.

به طور کلی، قدر متیقن این است که قائل شویم بر احوط، بر شوهر لازم است زن خویش را در معرض چنین ضرری قرار ندهد و بکوشد از نظر جنسی او را ارضا کند.

لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ الشَّرُّ بِاللَّهِ وَ الضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ»^{۳۶}

دو صفت است که برتر از آن دو صفت در نیکی چیزی نیست: ایمان به خدا و نفع رساندن به مردم و دو ویژگی است که چیزی بدتر از آن نیست: شرک به خدا و ضرر رساندن به بندگان خدا.

همان گونه که روشن است، در این روایت ضرر رساندن به بندگان خدا در کنار شرک آورده شده است و امکان دارد دلیلی بر حرمت ضرر رساندن به بندگان خدا باشد. البته این روایت اگر هم دلالت بر حرمت ضرر رساندن به دیگری نکند، دلالت بر زشتی این عمل دارد و لااقل می‌تواند مؤیدی برای اثبات مطالب مورد نظر ما باشد که خودداری از ارضای زن گرم مزاج، بنابر احتیاط جایز نیست. به بیان دیگر، احتیاطاً شوهر ملزم است چنین زنی را ارضا کند تا ضرری بر او وارد نشود.

نتیجه اینکه بر اساس این روایت، اگر ضرر رساندن به زن (از طریق عدم ارضا) حرام نباشد، دست کم بسیار زشت و مبعوض است.

ب) قاعده نفی حرج

این قاعده را می‌توان از آیه ۷۸ سوره «حج» استنباط کرد: مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ (خداوند در دین (اسلام) برای شما هیچ مشقت و سختی (طاقت فرسایی) قرار نداده است. طبریسی نیز در تفسیر این آیه بیان می‌کند: خداوند در دین تنگ نگرفته، تکلیف طاقت فرسای ما قرار نداده و در هنگام ضرورت رخصت داده است.^{۳۷}

به طور کلی، این قاعده که از آیه مزبور استخراج شده، گویای آن است که خداوند احکام مشقت آمیز را برای انسان‌ها وضع نکرده است و با توجه به اینکه بیشتر فقیهان به رغم اختلاف نظرهای جزئی اصل این قاعده را پذیرفته‌اند، می‌توان گفت در فرضی که شوهر از نظر جنسی همسرش را ارضا نمی‌کند، اگر زن به حرج و مشقت بیفتد، به حکم قاعده نفی حرج، تحمل این وضعیت - با توجه به اینکه شوهری توانمند دارد که می‌تواند او را ارضا کند، ولی ارضا نمی‌کند - بر زوجه شرعی ندارد؛ بنابراین، می‌تواند به حاکم اسلامی رجوع نماید تا او شوهرش را الزام کند که یا نیاز جنسی همسرش را برآورده سازد و یا وی را طلاق دهد.^{۳۸}

توصیه‌های دینی در زمینه نزدیکی

برخی از آموزه‌های دینی مرد را به نزدیکی و بازی با همسرش ترغیب می‌کند که به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «چون مؤمن با

مؤیدی دیگر

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «حَصَلَتَا لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ وَ حَصَلَتَا

زنشجماع کند، هفتاد هزار فرشته پر گشایند و رحمت فروریزد و چون غسل کند خدا از هر قطره خانه‌ای در بهشت بسازد و آن سیری است میان خدا و خلق او یعنی غسلجنابت.^{۳۹}

۲. در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داخل خانه امسلمه شد، سپس بوی خوشی را استشمام کرد فرمود: حواء پیش شما آمده است. امسلمه گفت (او اینجاست) او از شوهرش شکایت دارد. سپس حواء خودش را نشان داد و گفت: پدر و مادرم فدایت باد. همانا همسر من از من اعراض می‌کند. ایشان فرمود: بر او خودت را بیشتر خوشبو کن. حواء گفت: هیچ بوی خوشی را نگذاشتم، مگر آنکه خودم را به آن خوشبو کرده‌ام و از من دوری می‌کند. سپس حضرت فرمود: اگر می‌دانست چه ثواب دارد در آمدن به نزد تو (از تو دوری نمی‌کرد). او گفت: برای او چه ثوابی است در آمدن به سوی من؟ حضرت فرمود: چون متوجه جانب تو می‌شود، دو ملک به او احاطه پیدا می‌کنند و ثواب آن دارد که در راه خدائش مشیر کشیده است (جهاد می‌کند)، چون مجامعت کند، گناهان از او می‌ریزد؛ همان‌گونه که برگ از درخت می‌ریزد، هنگامی که غسل کند از گناهان به در می‌آید.^{۴۰}

همان‌گونه که روشن است معصوم علیه‌السلام در این گونه روایات با توجه دادن به پیامدهای مثبت جماع، مرد را مستقیم یا غیرمستقیم به انجام نزدیکی با همسرش ترغیب کرده است و این نشان از اهمیت ارضای جنسی زوجین دارد که نباید در این زمینه اهمال کاری کرد.

از سوی دیگر، این‌گونه روایات می‌تواند بیانگر آن باشد که در اسلام، حق جنسی زن نادیده گرفته نشده است. نکته: اگر بخوایم به متون دینی و سیره ائمه اطهار علیه‌السلام مراجعه کنیم، نمونه‌های زیادی را می‌توانیم در این زمینه ببینیم که به شوهران توصیه‌هایی درباره زنانشان شده‌است؛ به گونه‌ای که با عمل به آن توصیه‌ها، می‌توانند زندگی جنسی بهتری داشته باشند. برای نمونه، حسن بن‌جهم نقل می‌کند: «به حضرت رضا علیه‌السلام عرض کردم: خضاب فرموده‌اید؟ فرمود: آری با حنا و (کتم نیل)، مگر نمی‌دانی که این کار سودی فراوان دارد، که زن دوست دارد در تو همان زینت را ببیند که دوست داری تو در او ببینی، و زنانی از عفت بیرون شدند و فاسد گشتند و چنین شدند مگر به واسطه کم‌توجهی شوهرانشان به آرایش.^{۴۱}

این روایت شامل نکته بسیار زیبا و کاربردی است که متأسفانه برخی بدان توجه نمی‌کنند؛ زیرا تصور برخی این است که فقط زن باید خود را آرایش کند و همیشه آماده تمکین باشد، در حالی که به این مطلب توجه ندارد که شوهران نیز باید خود را

برای نشان آرایش کرده و زمینه بی‌عفتی آنان را کاهش دهند.

۳. تفاوت‌های زن و مرد در میل جنسی

مردان از نظر کمیت در فعالیت جنسی بر زنان برتری دارند و اینکه در روایات، بردباری یا امکان پرهیز جنسی زن‌اندر نتیجه حیای خدادادی آنها بیش از مردان قلمداد شده، می‌تواند اشاره‌ای به همین تفاوت زیست‌شناختی باشد. با وجود این، زنان در هنگام تحریک جنسی، سطوح بالاتری از لذت را تجربه می‌کنند.^{۴۲}

یکی از روایاتی که می‌تواند این مسئله را تأیید کند، روایت اسحاق بن عمار است. ایشان از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کنند: «همانا خداوند برای زن به اندازه ده مرد صبر (و بردباری) قرار داده است. پس هنگامی که به هیجان آید، اندازه قدرت شهوانی او به اندازه ده مرد می‌شود.^{۴۳}

به طور کلی می‌توان گفت به طور طبیعی میل مرد به‌تکرار عمل جنسی بیشتر از میل زن است؛ اما میزان لذت جنسی زن هنگام عمل جنسی در سطح بالاتری از لذت جنسی مرد قرار دارد. از سوی دیگر، زنان بیشتر بعد از ارتباط عاطفی و تحریک لمسی دچار هیجان جنسی می‌شوند؛^{۴۴} ولی مردان حتی پیش از ارتباط و تنها بانگه به بدن زن هم تحریک می‌شوند. شاید علت اینکه در بین عکس‌های مبتدل و برخی کالاهای تبلیغاتی، بیشتر عکس زن وجود دارد تا عکس مرد، همین مسئله باشد؛ یعنی آن اندازه که عکس زن برای مرد تحریک‌کننده است، عکس مرد برای زن تحریک‌کننده نیست. از این‌رو، عکس‌مرد در این‌گونه موارد کمتر وجود دارد.

با توجه به این تفاوت که در مردان شهوت دیداری قوی‌تر از شهوت دیداری زنان است، به نظر می‌رسد محرک‌های جنسی مردان بیشتر از محرک‌های جنسی زنان باشد. از این‌رو، طبیعی است که مردان بیشتر از زنان تحریک شوند و در نتیجه بیشتر از زنان هم نیاز به ارضای جنسی داشته باشند.

یافته‌های علمی و روان‌شناختی در زمینه تفاوت‌های

جنسی زن و مرد

تحقیقات گوناگونی در این زمینه انجام شده است که مستقیم یا غیرمستقیم نشان می‌دهد میل مرد به تکرار عمل جنسی بیشتر از میل زن است. به مثال‌های ذل توجه کنید:

۱. در حوزه علوم اجتماعی، براساس بررسی‌های آلفرد کینزی در آمریکا که در نیمه‌های قرن گذشته صورت‌گرفته است، ۱۴ درصد پاسخ‌گویان زن گزارش کرده‌اند که با داستان‌های شهوت‌انگیز تحریک می‌شوند، در حالی که این

نسبت در مورد پاسخ‌گویان مرد ۴۷ درصد بوده است. همچنین از نظر شاخص‌های دیگر مانند اقدام به خودارضایی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین مردان و زنان وجود داشته است. از جمله، میزان تکرار آن توسط زنان مجرد مورد مطالعه ۳٪ تا ۴٪ مرتبه در هفته و توسط مردان بین ۴٪ و ۸٪ مرتبه در هفته بوده است.

در پژوهش جدیدتری درباره آثار محرومیت جنس بر رفتار جنسی، از حدود سه هزار دانشجو دعوت به همکاری شد. دانشجویان می‌بایست اولاً احساسات مربوط به تحریک جنسی را در دفترچه خاطرات ثبتی کردند و ثانیاً از فعالیت جنسی به مدت یک ماه پرهیزی کردند. تقریباً سیصد زن یعنی حدود ۱۰ درصد از افراد، داوطلب مشارکت در این پژوهش شدند و در برابر داوطلبان مرد فقط ۱۵ نفر بودند. زنان داوطلب، هیچ‌مشکلی در اتمام این برنامه پژوهشی نداشتند، ولی از میان آن ۱۵ مرد، تنها ۶ نفر آزمایش پرهیز یک‌ماهه را به پایان رساندند. همچنین از آنان که پرهیز نکرده بودند، درباره‌میزان تخیلات جنسی دخالت‌کننده در جریان پژوهش سؤال شد؛ زنان گزارش کردند این امر به ندرت اتفاق افتادهاست، در حالی مردان از وقوع مکرر آن خبر دادند.^{۴۵}

۲. برخی دیگر از یافته‌ها نشان می‌دهد که مردان ۳ برابر زنان برقراری رابطه جنسی را در رویاهای خود می‌بینند.^{۴۶}

۳. برخی تحقیقات که روی سیکل هورمونی زنان و مردان انجام شده است نشان می‌دهد میل مردان در تکرار عمل جنسی بیشتر از زنان است. براساس این یافته‌ها، زنان و مردان هر دو تحت تأثیر سیکل هورمونی قرار دارند. بیشتر زنان سیکل ۲۸ روزه‌ای دارند که بر خلق و خو و تمایلات جنسی آنان تأثیرگذار است. مردان نیز دارای سیکل بیولوژیکی هستند. مردان دارای انباشت تستوسترون ۳ روزه در بدن خود می‌باشند. یک مرد معمولی دارای سائق جنسی ۳ روز در میان است؛ یعنی تمایل دارد دست‌کم سه روز در میان رابطه جنسی داشته‌باشد، اما این سیکل نیز همچون سیکل زنان در افراد مختلف با یکدیگر تفاوت دارد.^{۴۷}

به طور کلی، نتایج این تحقیقات بیانگر آن است که مردان (البته به طور اغلب) میل بیشتری به تکرار عمل جنسی دارند، ولی زنان کیفیت و سطح لذت جنسی آنان بیشتر است، اما نسبت به مردان میل کمتری به تکرار دارند. از این‌رو، بسیار طبیعی است که حق تمکین مطلق (غیر از مواردی که عذر شرعی وجود دارد) به مردان داده‌شود. البته نیازهای جنسی زنان نیز با توجه به احکام و توصیه‌های متعددی که در این باره وجود دارد، نادیده گرفته نشده است.

خلاصه اینکه با توجه به نتایج تحقیقات علمی وقوانین کلی وضع شده در اسلام و توصیه‌های وارد شده از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌توان به این امر اعتراف کرد که در اسلام حقوق جنسی متناسب با خلقت زنان و مردان وضع شده، و هیچ‌گونه بی‌عدالتی یا ظلمی در این زمینه انجام نگرفته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های مهم این پژوهش را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. همسران در برابر یکدیگر حقوقی دارند که رعایت آنها برای داشتن روابط بهتر و زندگی مستحکم ضروری است. بخشی از این حقوق، حقوق جنسی است که نقش‌سزایی در تداوم زندگی زناشویی دارند.
۲. حق جنسی هیچ‌یک از زوجین در اسلام نادیده گرفته نشده است و هر کدام به تناسب خود حقوق و تکلیفی بر عهده دارند.
۳. زن گرم‌مزاج است و بیشتر از یک بار در چهار ماه نیاز به ارضا جنسی دارد. در این صورت هم با استفاده از قاعده لاضرر و قاعده نفي حرج، بنا بر احتیاط شوهر ملزم به ارضا یا طلاق است تا زن دچار ضرر و حرج نشود.
۴. از یافته‌های علمی وجه تمایز زن و شوهر در حقوق جنسی تا حدی روشن شد و این شواهد مؤید این‌بودند که حقوق جنسی تعیین شده در اسلام موافق با طبع‌عمومی زن و مرد است.

.....!!!!!!!

۱. سیدروح‌الله خمینی، رساله توضیح المسائل، با حواشی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، ص ۲۶۳.
۲. حسین بستان، اسلام و تفاوت‌های جنسی، ص ۲۶.
۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۴۱.
۴. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۲، ص ۳۱۸.
۵. ر.ک: علی‌بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، تحقیق سیدطیب موسوی جزائری، ج ۱، ص ۷۳.
۶. ر.ک: سید محمدحسین شیرازی، تبیین القرآن، ج ۱، ص ۴۶.

۲۲ - دفتر آیت‌الله صافی، بخش استفتائات، شماره اتوماتیک: ۵۷۲۹۳، شماره دفتری ۲۴۴/۸۹/۳، کد ۱. با توجه به اینکه ایشان از عبارت «توصیه می‌شود» در پاسخ استفاده نموده‌اند احساس می‌شود که این مسئله را واجب نمی‌دانند.

۲۳ - سیدموسی شبیری زنجانی، همان، ج ۵، ص ۱۴۸۳.

۲۴ - به عنوان نمونه یکی از روایاتی که در این زمینه وارد شده و مورد بحث قرار گرفته روایت سمره است. ر.ک: محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲۵ - ر.ک: مرتضی انصاری، *وسائل فقهیه*، ص ۱۱۴-۱۱۶.

۲۶ - ر.ک: آخوند خراسانی، *کفایه*، ص ۳۸۱.

۲۷ - ر.ک: شیخ الشریعه اصفهانی، *قاعده لاضرر*، ص ۱۹.

۲۸ - ر.ک: محمدحسن بن آشتیانی، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، ص ۲۲۲؛ فاضل تونی، *الوافیه*، ص ۱۹۴.

۲۹ - راغب اصفهانی، *مفردات*، ترجمه و تحقیق سید غلامرضا خسروی حسینی، ج ۴، ص ۳۸۵.

۳۰ - آخوند خراسانی، همان، ص ۳۸۰.

۳۱ - خلیل بن احمد فراهیدی، *العین*، ج ۷، ص ۷.

۳۲ - محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، ص ۴۵۷.

۳۳ - سیدموسی شبیری زنجانی، همان، ج ۵، ص ۱۴۸۶-۱۴۸۵.

۳۴ - محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۵۸.

۳۵ - ر.ک: مرتضی انصاری، همان، ص ۱۱۶-۱۱۴.

۳۶ - ابن‌شعبه حرّانی، *تحف العقول*، ص ۳۵.

۳۷ - فضل‌بن حسن طبرسی، *جوامع الجامع*، ج ۳، ص ۶۲.

۳۸ - حسین بستان، همان، ص ۲۹.

۳۹ - علی‌بن محمد صدوق، *اصالی*، ترجمه

۷ - ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۲، ص ۱۴۱.

۸ - محمدبن علی صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ترجمه علی‌اکبر غفاری، ج ۳، ص ۴۳۸؛ ج ۵، ص ۸۵.

۹ - همان، ج ۳، ص ۴۲۵؛ ج ۵، ص ۶۷.

۱۰ - ر.ک: حسین بستان، همان، ص ۲۷.

۱۱ - قرن گوشت یا غده و یا استخوانی است که در دهانه رحم روییده می‌شود و از عمل وطی جلوگیری می‌کند، بلکه اگر جلوگیری هم نکند و تنها مایه نفرت و گرفتگی خاطر می‌شود.

۱۲ - سیدروح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۴، باب نکاح، ص ۸۵ و ۸۶.

۱۳ - سیدروح‌الله خمینی، همان، ج ۴، ص ۱۵.

۱۴ - محمدبن علی صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۴۰۵؛ ج ۵، ص ۴۰.

۱۵ - سیدموسی شبیری زنجانی، *کتاب نکاح*، ج ۵، ص ۱۴۸۳.

۱۶ - ر.ک: سیدروح‌الله خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۴، ص ۸۵.

۱۷ - ر.ک: محمدبن علی صدوق، *المقنع*، ص ۳۱۵.

۱۸ - سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، *عروه الوثقی*، ج ۲، ص ۸۱۰؛ سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، *منهاج المؤمنین*، ج ۲، ص ۲۰۸.

۱۹ - سیدابوالقاسم خوئی، *موسوعة الامام الخوئی*، ج ۳۲، ص ۱۲۲.

۲۰ - استفتاء از دفتر ایشان در قم.

۲۱ - ناصر مکارم شیرازی، *رساله توضیح المسائل*، ص ۳۹۹. البته طبق استفتائی که از دفتر ایشان شد به همین مضمون پاسخ دریافت کردیم: «در صورتی که همسر ممکن است به گناه بیفتد احتیاط واجب آن است که به خواسته او عمل کند» دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی، بخش استفتائات.

قم، مؤسسة آل البيت، يتا.
 - آخوند خراسانی، محمدکاظم، **کفایه الاصول**،
 قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۷ق.
 - خوئی، سید ابوالقاسم، **موسوعة الإمام الخوئی**، بیجا، بنا، يتا.
 - شبیری زنجانی، سید موسی، **کتاب نکاح**، قم،
 مؤسسه رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
 - شیرازی، سید محمدحسین، **تبیین القرآن**،
 بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۳ق.
 - صدوق، محمد بن علی، **المقنع**، قم، مؤسسه
 امام هادی، ۱۴۱۵ق.
 - _____، **امالی** ترجمه محمدباقر کمره ای،
 تهران، اسلامیة، ۱۳۷۶.
 - _____، **من لایحضره الفقیه**، ترجمه
 علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین،
 ۱۴۰۴ق.
 - طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان**، ترجمه
 سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه
 مدرسین، ۱۳۷۴.
 - طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم،
عروه الوثقی، بیروت، مؤسسه الاعلمی
 للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
 - طبرسی، فضل بن حسن، **جوامع الجامع**، قم،
 مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۷.
 - _____، **مکارم الاخلاق**، ترجمه
 سید ابراهیم میرباقری، قم، شریف رضی،
 ۱۳۷۰.
 - فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، قم،
 هجرت، ۱۴۱۰ق.
 - قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**،
 تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، قم،
 دارالکتاب، ۱۳۶۷.
 - مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، تهران،
 اسلامیة، يتا.
 - مرعشی نجفی، سید شهاب الدین،
منهاج المؤمنین، قم، کتابخانه آیت الله
 مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
 - مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار حقوق زن**

محمدباقر کمره ای، ص ۱۹۲.
 ۴۰ - محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص
 ۱۰۸-۱۰۹.
 ۴۱ - فضل بن حسن طبرسی، **مکارم الاخلاق**، ترجمه
 سید ابراهیم میرباقری، ج ۱، ص ۸۱ و ۱۵۴.
 ۴۲ - حسین بستان، همان، ص ۲۹.
 ۴۳ - محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص
 ۶۳.
 ۴۴ - ر.ک: مرتضی مطهری، **مجموعه آثار**، ج
 ۱۹، ص ۱۷۹.
 ۴۵ - حسین بستان، همان، ص ۲۰.
 ۴۶ www.balashahr.com.
 ۴۷ - همان.
 !!!!!
 - آشتیانی، محمدحسن، **القواعد الفقهیة**،
 قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی،
 ۱۴۰۳ق.
 - اصفهانی، راغب، **مفردات**، ترجمه و تحقیق
 سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی،
 ۱۳۷۵.
 - اصفهانی، شیخ الشریعه، **قاعدة لا ضرر**،
 قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
 - خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، قم،
 دارالعلم، ۱۳۸۶.
 - _____، **رساله توضیح المسائل**، بنا
 حواشی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، قم،
 نجات، ۱۳۷۹.
 - انصاری، مرتضی، **رسائل فقهیه**، قم،
 کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری،
 ۱۴۱۴ق.
 - بستان، حسین، **اسلام و تفاوت های جنسیتی**،
 قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
 - تونی فاضل، عبدالعزیز محمد، **الوافیه**،
 قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
 - حرّانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، قم، جامعه
 مدرسین، ۱۴۰۴ق.
 - حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**،

در اسلام، قم، صدرا، بتا.
— مكارم شيرازى، ناصر، رساله
توضیح المسائل، قم، مدرسه امام على بن
ابیطالب، ۱۳۷۸.
— ، و ديگران، تفسير نمونه، تهران،
دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی